

ارتباط بین مشکلات رفتاری و بدتنظیمی هیجانی با سبک‌های دلبستگی در نوجوانان شهر کرج

The relationship between behavioral problems and emotional dysregulation with adolescents attachments styles in Karaj

Zahra Mehri Dastjerdi

Master Student in General Psychology, Department of Psychology, Faculty of Human Sciences, Danesh Alborz University. Abyek, Iran.

Email: zahramehridastjerdi@gmail.com

Seyedeh Sara Aghaei Sabet

PhD, Assistant professor, Department of Psychology, Faculty of Human Sciences, Islamic Azad University of Shahre Rey, Yadegar Emam Khomeini (RAH) Branch, Tehran, Iran.

زهرا مهری دستجردی *

دانشجو کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه غیرانتفاعی دانش البرز، آبیک، ایران

سیده سارا آقایی ثابت

دکتری تخصصی روان‌شناسی، استادیار، عضو هیئت علمی گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد یادگار امام خمینی (ره) واحد شهر ری، تهران، ایران.

Abstract

Aim: The present study was aimed at investigating the relationship between behavioral problems and emotional deregulation with attachment styles of adolescents in Karaj. **Methods:** The research method was descriptive-correlational. The statistical population of this study was all students studying in the first and second secondary school of Karaj, in the academic year 1399-1400. The sample size according to the plant formula was 282 people (95 girls and 187 boys) by cluster sampling method. First, among the schools of Karaj, 3 schools and from each grade one class were selected randomly to complete the questionnaire. In order to collect data, the students completed online Achenbach (2007) Youth Self Report (YSR) questionnaires, Gratz and Roemer (2004) Difficulties in Emotion Regulation Scale (DERS) Questionnaire, and Hazan and Shaver (1987) the Adult Attachment (AAQ) Questionnaire. Data were analyzed using Pearson correlation coefficient and multivariate regression simultaneously. **Results:** Data analysis showed that behavioral problems have a negative and significant relationship with secure attachment styles and a positive and significant relationship with insecure attachment styles. Also, a negative and significant relationship was

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین مشکلات رفتاری و بدتنظیمی هیجانی با سبک‌های دلبستگی نوجوانان شهر کرج انجام شده است. **روش:** روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در مقطع متوسطه اول و دوم شهر کرج، در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ بودند که ۲۸۲ نفر (۹۵ دختر و ۱۸۷ پسر) آنها بر اساس فرمول پلنت به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. به این شکل که ابتدا از بین مدارس شهر کرج، سه مدرسه و سپس از هر پایه یک کلاس به شیوه تصادفی انتخاب شدند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها، شرکت‌کنندگان به شیوه آنلاین در سامانه پرسال، سیاهه رفتاری نوجوانان اخنباخ (۲۰۰۷)، مقیاس دشواری تنظیم هیجان گرتز و رومر (۲۰۰۴) و پرسشنامه سبک‌های دلبستگی هازان و شایور (۱۹۸۷) را تکمیل کردند. داده‌ها با کمک ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره به روش هم‌زمان تحلیل شد. **یافته‌ها:** تحلیل داده‌ها نشان داد که مشکلات رفتاری با سبک دلبستگی ایمن رابطه منفی و معنادار و با سبک‌های دلبستگی نایمن رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین بدتنظیمی هیجانی با سبک دلبستگی ایمن رابطه منفی و معنی‌دار و با سبک‌های دلبستگی نایمن رابطه مثبت و معنی‌دار مشاهده شد. تحلیل رگرسیون نیز

observed between emotional dysregulation and secure attachment styles and a positive and significant relationship with insecure attachment styles. Regression analysis also showed that behavioral problems and emotional dysregulation contributed significantly to the prediction of attachment styles.

Conclusion: Considering the relationship between attachment styles and behavioral problems, it is necessary that counselors design appropriate programs to both inform and educate parents to create secure attachment and prevent the formation of insecure attachment dimensions.

Keywords: *Adolescence, attachment styles, behavioral problems, emotional dysregulation.*

نشان داد که مشکلات رفتاری و بدتنظیمی هیجانی در پیش‌بینی سبک‌های دلبستگی سهم بسزایی داشتند. نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌ها، ضروری است که مشاوران برنامه‌های مناسبی برای آگاه‌سازی و آموزش والدین ایجاد دلبستگی ایمن و جلوگیری از شکل‌گیری ابعاد دلبستگی نایمن طراحی کنند.

واژه‌های کلیدی: بدتنظیمی هیجانی، سبک‌های دلبستگی، مشکلات رفتاری، نوجوانی.

نوع مقاله : پژوهشی	دریافت : آبان ۱۴۰۰	پذیرش: دی ۱۴۰۰
--------------------	--------------------	----------------

مقدمه

نوجوانی^۱ یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی است که در آن شخصیت فرد به‌تدریج شکل گرفته و ثبات می‌یابد (محمدی، ۱۳۷۹). اغلب ناسازگاری‌های رفتاری پس از دوران کودکی، به‌ویژه نوجوانی، ناشی از کمبود توجه به دوره حساس کودکی و هدایت نادرست روند رشد و تکامل کودک است. این غفلت منجر به مشکلاتی در انطباق با محیط و بروز انحرافات گوناگون در ابعاد مختلف زندگی نوجوان می‌شود (ملکشاهی و فرهادی، ۱۳۸۷). نوجوانان به‌عنوان یکی از گروه‌های سنی آسیب‌پذیر، در معرض انواع مشکلات روان‌شناختی قرار دارند، عوامل آسیب‌پذیری در این سنین، از یک‌سو به فرآیند فعال رشد و مقتضیات خاص مراحل آن و از سوی دیگر به کنترل شرایط محیطی نوجوانان توسط بزرگسالان نسبت داده می‌شوند (ساجدی، ضرابیان و صادقی، ۱۳۹۶). وجود مشکلات در نوجوان نه تنها به‌خودی‌خود مهم هستند، بلکه بروز مشکلات بعدی را نیز پیش‌بینی می‌کنند و احتمال ابتلا به اختلالات بزرگسالی را تقریباً ۲ تا ۶ برابر افزایش می‌دهند (ساراسون و ساراسون، ۲۰۱۵). مشکلات رفتاری^۲ و هیجانی به‌عنوان بیشترین انواع آسیب‌های روانی نوجوان، در جریان رشد و تکامل برخی از نوجوانان و در برهه‌ای از زمان ایجاد می‌شود (مسکینی جانکبری، ۱۳۹۸) که در آن پاسخ‌های هیجانی و رفتاری نوجوان با هنجارهای فرهنگی، سنی و قومی تناسب نداشته باشد، به‌گونه‌ای که بر عملکرد تحصیلی، مراقبت از خود، روابط اجتماعی، سازگاری فردی، رفتار در کلاس و سازگاری در محیط کار نیز تأثیر منفی بگذارد (خان‌زاده، ۱۳۹۸).

مشکلات رفتاری؛ رفتارهای گوناگون افراطی، مزمن و انحرافی هستند که گستره آن شامل اعمال تهاجمی یا برانگیختگی ناگهانی تا اعمال افسرده‌گونه^۳ و گوشه‌گیرانه^۴ بوده و بروز آن‌ها دور از انتظار مشاهده‌کننده است (امیرخانی و تیموری، ۱۳۹۷). تاکنون طبقه‌بندی‌های مختلفی برای مشکلات رفتاری صورت گرفته است، برخی از پژوهشگران مشکلات رفتاری را به دو دسته بزرگ

¹ adolescence

² behavior problems

³ depressive

⁴ withdrawal

مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده^۵ و مشکلات رفتاری برون‌سازی شده^۶ تقسیم کرده‌اند (دیار، ۲۰۰۵). اختلالات برون‌سازی و درونی‌سازی در حد اعلا‌ی طیفی از مشکلات رفتاری نوجوانان هستند که حتی اگر معیارهای تشخیص بالینی را نداشته باشند، با پیامدهای نامطلوب سلامت جسمی و روانی در بزرگسالی نیز همراه هستند (رابینسون و همکاران، ۲۰۲۱). مشکلات درونی‌سازی شده، مشکلاتی هستند که معطوف به درون تلقی می‌شوند و علائم اصلی آن‌ها با رفتارهای بیش‌ازحد کنترل‌شده رابطه دارند، مانند افسردگی و اضطراب که با دنیای درونی فرد سروکار دارند و با تعارض‌های روانی و هیجانی همراه هستند (کاکاوند، ۱۳۹۹) و مشکلات برون‌سازی دربردارنده رفتارهایی است که اغلب به‌سوی دیگران و دنیای بیرونی جهت‌گیری دارند و در برقراری ارتباط با دیگران ظهور پیدا می‌کنند، مانند رفتارهای قانون‌شکنی و رفتارهای پرخاشگرانه (مش و بارکلی، ۲۰۱۷). تنظیم هیجانی مبنای مهمی در ظهور اختلال‌های عاطفی و رفتاری در طی نوجوانی است (کل و تنیس، ۲۰۱۵). تنظیم هیجانی یک فرآیند محوری برای همه جنبه‌های عملکرد انسان است و در شیوه‌های مقابله افراد با تجارب استرس‌زا و نیز تجربه شادی، نقش اساسی ایفا می‌کند. تنظیم هیجان به نوجوانان کمک می‌کند تا نسبت به تغییر شرایط و نیازهای حاضر که منجر به ایجاد هیجانات جدید می‌شود، با انعطاف‌پذیری پاسخ دهند. این انعطاف‌پذیری با سلامت روان همبستگی بالایی دارد (ساندور و کاپو، ۲۰۱۳).

از آنجایی که تنظیم هیجان بخش مهمی از زندگی هر فرد را به خود اختصاص می‌دهد، شگفت‌آور نیست که آشفتگی در تنظیم هیجان می‌تواند منجر به اندوهگینی و حتی آسیب روانی شود (آمستادر، ۲۰۱۶). دشواری‌های مربوط به تنظیم هیجان‌ها با اختلالات روانی نظیر اختلال شخصیت مرزی^۷، اختلال افسردگی اساسی^۸، اختلال دوقطبی^۹، اختلال اضطراب فراگیر^{۱۰}، اختلالات خوردن^{۱۱}، مشکلات رفتاری مرتبط است. امروزه نقش تنظیم هیجان در مشکلات رفتاری و توانمندی‌های یادگیری و عملکرد دانش‌آموزان نوجوان نیز تأیید شده است (چانگ، استوارت و دوئگه، ۲۰۱۴).

بررسی‌ها حاکی از آن است که سبک دلبستگی توان پیش‌بینی تنظیم هیجانی را دارد (رده، مشایخ و تاجری، ۱۳۹۹). دلبستگی^{۱۲} پیوند عاطفی بین کودک و مادر است که نقشی تعیین‌کننده در کنترل هیجانات فرد در دوران نوجوانی و بزرگسالی دارد (بالبی، ۱۹۶۹). دلبستگی و تنظیم هیجان پیوندی ناگشودنی با یکدیگر دارند، به‌طوری‌که ظرفیت بیشتر برای مدیریت و تنظیم هیجان‌ها یکی از دلایلی است که باعث می‌شوند کودکان با دلبستگی ایمن، رفتار شایسته‌تری نسبت به هم‌تایان خود و مشکلات رفتاری برون‌سازی و درونی‌سازی داشته باشند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نوجوانان و بزرگسالان با سبک دلبستگی ایمن، سطوح پایین‌تری از عواطف منفی را تجربه می‌کنند و روابط مستحکمی را با افرادی که هنگام درمان‌دگی هیجانی، برای دریافت حمایت مراجعه می‌کنند، برقرار می‌سازند. افراد با سبک دلبستگی نایمن، در مقایسه با ایمن‌ها، سطوح پایین‌تری از عواطف مثبت را تجربه می‌کنند و در مدیریت استرس، اضطراب، افسردگی و سایر عواطف منفی، ناتوانی نشان می‌دهند (هسه و فلوید، ۲۰۱۱). بر طبق یافته‌ها، بین سبک دلبستگی نایمن با مشکلات رفتاری رابطه وجود دارد (دی اوانزاتو، جورمن، سیمر و گاتلی، ۲۰۱۳). برای نمونه، شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه، سبک دلبستگی نایمن و کمال‌گرایی منفی می‌توانند مشکلات رفتاری را پیش‌بینی کنند. همچنین اختلالات رفتاری دارای همبستگی منفی با سبک دلبستگی ایمن و سبک دلبستگی دوسوگرا/ اضطرابی هستند (رده و مشایخ، ۱۳۹۹؛ ترکش‌دوز و فرخ‌زاد، ۱۳۹۶). افراد با سبک‌های دلبستگی

⁵ internalizing problems

⁶ externalizing problems

⁷ Borderline personality disorder

⁸ Major depressive disorder

⁹ Bipolar disorder

¹⁰ Pervasive anxiety disorder

¹¹ Eating disorders

¹² attachment

ناایمن ممکن است، استفاده از راهبردهای تنظیم هیجان نامؤثر را در دستور کار قرار دهند که خطر افسردگی را افزایش می‌دهد (ماراگانسکا، کالاجر و میراندا، ۲۰۱۳). دلبستگی ایمن به والدین، با مشکلات رفتاری برونی‌سازی شده مانند سرقت، استفاده از مواد مخدر و بزهکاری، رفتار پرخاشگرانه و رفتار پرخطر و همچنین مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده مانند اضطراب و خلق افسرده، رابطه منفی دارد (تامبلی، لاقی، ادوریسو و نوتاری، ۲۰۱۲). لایبل، کارلو و رافیلی (۲۰۱۶) نیز در پژوهشی نشان دادند دلبستگی ایمن به والدین و دوستان با سطوح بالای همدلی و سطوح پایین رفتار پرخاشگرانه نوجوانان در ارتباط است. مرور پژوهش‌ها، این فرض را مطرح می‌کنند که ممکن است دشواری تنظیم هیجان در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و مشکلات رفتاری نقش واسطه‌ای داشته باشد. تنظیم هیجانی^{۱۳} به‌طور ویژه‌ای توضیح می‌دهد که افراد چگونه هیجان را تجربه، تعدیل و سازمان‌دهی می‌کنند و چگونه چنین مدیریتی بر رفتار انسان تأثیر می‌گذارد و شامل فرآیندهایی است که افراد از طریق آن می‌توانند بر اینکه چه هیجانی داشته باشند و چه وقت آن‌ها را تجربه و ابراز کنند، تأثیر بگذارند. تنظیم هیجان انطباقی، توان تحمل وضعیت‌های درمانده کننده را افزایش می‌دهد (الیوت، واتسون و گلدمن، ۲۰۰۴). توانایی تنظیم هیجانی افراد برای رشد سالم روابط بین فردی لازم است. هیجانات دارای کیفیت بالایی هستند به این صورت می‌تواند باعث واکنش مثبت یا منفی در افراد شوند (شیوتا، کامپوز، کلنتر و هرتنسیتین، ۲۰۱۷). اگر متناسب با موقعیت و شرایط باشند باعث واکنش مثبت و در غیر این صورت باعث واکنش منفی می‌شوند، بنابراین زمانی که هیجانات شدید یا طولانی می‌شوند و یا با شرایط سازگار نیستند آن زمان نیاز به تنظیم کردن آن‌ها لازم است (گروس، ۲۰۱۰).

عدم تنظیم هیجانی یکی از علل اساسی کژکاری در بین کودکان و نوجوانان است (بورگارد، ۲۰۰۴) و با بسیاری از اختلالات روان شناختی ارتباط دارد (باچین، گتزک کاپ و مید، ۲۰۰۷). پژوهش‌ها نشان داده اند که مدیریت هیجانات، در پیشگیری از ظهور اختلالات هیجانی و رفتاری در دوران نوجوانی نقش مهمی ایفا می‌کند (کول، دنیس، اسمیت و کوهن، ۲۰۰۸). مهارت تنظیم هیجان به‌ویژه در دوران نوجوانی برای سازگاری روان شناختی، رضایت شخصی، احساس شایستگی، کارآمدی اجتماعی، موفقیت تحصیلی، و به طور کلی سلامت جسمی و روانی لازم است (مارکوین، ۲۰۱۱). بسیاری از مشکلات نوجوانی پیامدهایی برای وی و جامعه دارد و اغلب اختلالات بزرگسالی ریشه در شرایط و تجربه‌های کودکی و نوجوانی دارد به همین دلیل شناخت بهتر سبک‌های دلبستگی در این دوران می‌تواند عامل مؤثری در پیشگیری از مشکلات باشد. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین مشکلات رفتاری و بدتنظیمی هیجانی با سبک‌های دلبستگی نوجوانان است.

روش

طرح پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه اول و دوم شهر کرج در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بودند که ۲۸۲ نفر از آن‌ها (۹۵ دختر و ۱۸۷ پسر) با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند، به این ترتیب که از بین مدارس دخترانه و پسرانه مقطع متوسطه اول و دوم آموزش و پرورش شهر کرج، سه مدرسه (مدرسه پسرانه حضرت ولیعصر ناحیه ۴ و مدرسه پسرانه حضرت ابوالفضل ناحیه ۳ و مدرسه دخترانه قلم‌چی ناحیه ۳) و از هر پایه، یک کلاس انتخاب شد و دانش‌آموزان آن کلاس به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. از آنجاکه نوع تحقیق همبستگی است، حداقل حجم نمونه بر اساس فرمول پلت ($m + 50 < N$) محاسبه شد (m) تعداد متغیرها و N حجم نمونه). ۱۷۹ نفر از شرکت‌کنندگان در مقطع متوسطه دوم و ۱۰۳ نفر در مقطع متوسطه اول شاغل به تحصیل بودند. ملاک‌های ورود به این پژوهش دامنه سنی ۱۵-۱۸ سال و تحصیل در مقطع متوسطه اول و دوم بود. در نهایت، لینک پرسشنامه‌های بارگذاری شده به صورت آنلاین، شامل سیاهه رفتاری نوجوانان اخنباخ (۲۰۰۷)، مقیاس دشواری

تنظیم هیجان- گرتز و رومر (۲۰۰۴) و پرسشنامه سبک‌های دلبستگی هازان و شیور (۱۹۸۷) در اختیار شرکت‌کنندگان قرار داده شد و اطلاعات جمع‌آوری شدند. جهت رعایت ملاحظات اخلاقی اقدامات زیر توسط پژوهشگر انجام شد: محرمانه بودن نام شرکت‌کنندگان، اطلاع رسانی و کسب رضایت والدین آنها، عدم استفاده شخصی از نتایج پژوهش، رعایت صحت و اعتبار داده‌های گردآوری شده و نحوه گزارش و عرضه آنها.

ابزار پژوهش

۱- **سیاهه رفتاری نوجوانان اخنباخ**^{۱۴}: این مقیاس توسط اخنباخ ساخته شده است. فرم مشکلات رفتاری نوجوانان یک مقیاس خودسنجی برای سنین ۱۱ تا ۱۸ سال است و ۸ عامل اضطراب/ افسردگی، انزوا/ افسردگی، شکایت‌های جسمانی، مشکلات اجتماعی، مشکلات تفکر، مشکلات توجه، نادیده گرفتن قواعد و رفتار پرخاشگرانه عامل مرتبه دوم مشکلات برون‌سازی شده را تشکیل می‌دهند. پاسخ به سؤالات سیاهه رفتاری نوجوانان اخنباخ به صورت طیف لیکرت ۳ درجه‌ای از ۰ تا ۲ است. بدین ترتیب که نمره «۰» مواردی که هرگز در رفتار نوجوان وجود ندارد؛ نمره «۱» حالات و رفتارهایی که گاهی اوقات در نوجوانان مشاهده می‌شود و نمره «۲» نیز مواردی که بیشتر مواقع یا همیشه در رفتار کودک وجود دارد. ضرایب کلی اعتبار فرم‌های سیاهه رفتاری نوجوان اخنباخ با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۷ و با استفاده از اعتبار بازآزمایی ۰/۹۴ گزارش شده است. روایی محتوایی، روایی ملاکی با استفاده از همبستگی با مقیاس CSI-4 و روایی سازه این فرم‌ها مطلوب گزارش شده است (اخبناخ و رسکورلا، ۲۰۰۷؛ مینایی، ۱۳۸۵).

۲- **مقیاس دشواری تنظیم هیجان**^{۱۵}: مقیاس دشواری تنظیم هیجان: یک ابزار ۳۶ گویه‌ای است در سال (۲۰۰۴) توسط گرتز و رومر ساخته شده است، که سطوح نارسایی تنظیم هیجانی فرد را در مقیاس پنج‌درجه‌ای از ۱ تا ۵ در شش زمینه عدم پذیرش هیجان منفی، دشواری در انجام رفتارهای هدفمند مواقع درماندگی، دشواری در مهار رفتارهای تکانشی مواقع درماندگی، دستیابی محدود به راهبردهای اثربخش تنظیم هیجان، فقدان آگاهی هیجانی، و فقدان شفافیت هیجانی می‌سنجد. در بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه اعتبار آزمون را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برابر ۰/۹۱، ۰/۸۷ و ۰/۹۳ به دست آوردند (گرتز و رومر، ۲۰۰۴).

پرسشنامه سبک دلبستگی هازان و شیور^{۱۶}: این پرسشنامه توسط هازان و شیور (۱۹۸۷) ساخته شده است. افراد با توجه به طیف لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد، به سؤالات جواب می‌دهند. دارای ۱۵ سؤال است که ۵ ماده پرسشنامه مربوط به سبک دلبستگی ایمن، پنج ماده مربوط به سبک دلبستگی ناایمن و پنج ماده مربوط به سبک دلبستگی دوسوگرا است. هازان و شیور (۱۹۸۷) پایایی بازآزمایی کل این پرسشنامه را ۰/۸۱ و پایایی با آلفای کرونباخ را ۰/۸۷ به دست آوردند. ضرایب آلفای کرونباخ پرسش‌های مربوط به بخش ایمن اجتنابی و دوسوگرا برای کل نمونه‌ها به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۴ و ۰/۸۵ است.

شیوه اجرای پژوهش

جهت اجرای پژوهش با کسب مجوز از دانشگاه و هماهنگی‌های لازم با مدارس برای انتخاب نمونه اقدام شد. انتخاب نمونه به شیوه خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شد. پس از انتخاب شرکت‌کنندگان لینک پرسشنامه‌ها که در سامانه پرسال به صورت آنلاین قرار داده شده بود، با کمک مدیر و مسئولان مدارس در شبکه شاد بارگذاری شد و دانش‌آموزان به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند.

¹⁴ Behavioral list of Akhenbach adolescents

¹⁵ Emotion Difficulty Scale

¹⁶ Hazan and Shiver attachment style questionnaire

پس از اتمام کار، در صورت تمایل افراد شرکت‌کننده، نتایج به صورت خصوصی در اختیار آن‌ها قرار داده شد. داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ و روش‌های آماری همبستگی پیرسون و مدل رگرسیون چندمتغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها

در این پژوهش، از روش‌های آماری در دو سطح توصیفی و استنباطی استفاده شد. شاخص‌های آماری برحسب مشکلات رفتاری، بدتنظیمی هیجانی، سبک‌های دلبستگی به تفکیک در مورد شرکت‌کنندگان در جدول شماره ۱، ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش (N=۲۸۲)

عامل کلی	زیر مقیاس‌ها	میانگین	انحراف استاندارد
مشکلات رفتاری درونی سازی شده	مشکلات اجتماعی	۲۸/۴۰۰۷	۳/۹۸۲۰۴
	مشکلات تفکر	۶/۰۴۶۱	۱/۷۴۳۷۲
	مشکلات توجه	۲۳/۴۸۹۴	۳/۴۲۱۹۷
	کل	۵۷/۹۳۶۲	۷/۰۷۸۸۳
مشکلات رفتاری بیرونی سازی شده	رفتار قانون شکنی	۱۳۸/۶۹۸۶	۳/۳۸۵۸۵
	رفتار پرخاشگری	۴۷/۷۰۲۱	۶/۱۷۶۸۱
	کل	۱۸۶/۴۰۰۷	۸/۹۷۲۸۲
بدتنظیمی هیجانی	عدم پذیرش پاسخ‌های هیجانی	۲۳/۹۰۴۳	۵/۷۰۲۱۰
	دشواری در انجام رفتار هدفمند	۱۷/۲۹۰۸	۵/۱۹۷۹۲
	دشواری در کنترل تکانه	۲۲/۸۲۲۷	۵/۹۱۴۳۲
	دسترسی محدود به راهبردهای تنظیم هیجانی	۲۲/۰۶۰۳	۴/۳۲۷۳۴
	فقدان آگاهی هیجانی	۶۲/۵۰۳۵	۶/۳۸۲۹۴
	عدم وضوح هیجانی	۲۴/۰۵۶۷	۲/۶۳۹۰۸
	کل	۱۷۲/۶۳۸۳	۲۲/۵۳۰۵۷
سبک‌های دلبستگی	اجتنابی	۱۶/۸۰۸۵	۳/۳۵۶۴۴
	ایمن	۱۳/۸۷۲۳	۴/۴۲۳۸۹
	دوسوگرا	۱۵/۶۹۵۰	۳/۱۲۵۹۳

فرضیه ۱: بین مشکلات رفتاری و بدتنظیمی هیجان با سبک دلبستگی ایمن نوجوانان رابطه وجود دارد.

جدول ۲. مانرئیس همبستگی بین مشکلات رفتاری و بدتنظیمی هیجان با سبک دلبستگی ایمن نوجوانان

متغیر	۱	۲	۳	۴
مشکلات رفتاری درونی سازی شده	۱			
مشکلات رفتاری بیرونی سازی شده	۰/۷۶۳**	۱		

متغیر	۱	۲	۳	۴
بد تنظیمی هیجانی	۰/۵۹۱**	۰/۶۰۲**	۱	
سبک دل‌بستگی ایمن	۰/۴۷۶**	۰/۳۷۳**	۰/۴۷۶**	۱

*P<. / . 5 **P<. / . 1

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که رابطه بین نمره مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده و بیرونی‌سازی شده با سبک دلبستگی ایمن نوجوانان به ترتیب با مقدار $r = -0/476$ و $r = -0/373$ منفی و معنادار است ($p \leq 0/05$). همچنین، نتایج نشان می‌دهد که رابطه بین نمره بدتنظیمی هیجان با سبک دلبستگی ایمن با مقدار $r = -0/476$ نیز منفی و معنادار است ($p \leq 0/05$). به این معنی که هرچه میزان نمرات مشکلات رفتاری و بدتنظیمی هیجان بالاتر باشد، از میزان سبک دلبستگی ایمن نوجوانان کاسته می‌شود و بالعکس. بنابراین فرضیه پژوهش تأیید می‌گردد و می‌توان ادعا نمود که بین مشکلات رفتاری و بدتنظیمی هیجان با سبک دلبستگی ایمن نوجوانان رابطه وجود دارد برای بررسی رابطه چندگانه بین مشکلات درونی‌سازی شده و مشکلات بیرونی‌سازی شده و بدتنظیمی هیجانی با سبک دلبستگی ایمن از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش هم‌زمان استفاده شد. نتایج تحلیل آماری این فرضیه در جدول‌های ۳ و ۴ آمده است.

جدول ۳. ضریب همبستگی و ضریب تبیین متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیون در پیش‌بینی سبک دلبستگی ایمن

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین (R ²)	F	سطح معناداری
۱	۰/۵۳۷ ^a	۰/۲۸۸	۳۷/۴۸۵	۰/۰۰۰ ^a

a پیش بینی کننده‌ها: (ثابت)، مشکلات درونی سازی شده و مشکلات بیرونی سازی شده و بد تنظیمی هیجانی

متغیر وابسته: سبک دلبستگی ایمن آماره دوربین واتسون: ۱/۸۸۴

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که در مدل رگرسیون پیش‌بینی سبک دلبستگی ایمن از روی مشکلات درونی‌سازی شده و مشکلات بیرونی‌سازی شده و بدتنظیمی هیجانی ضریب تعیین (R^2) برابر با ۰/۲۸۸ به‌دست آمده است. به عبارت دیگر، مشکلات درونی‌سازی شده و مشکلات بیرونی‌سازی شده و بدتنظیمی هیجانی روی هم ۲۸/۸ درصد واریانس سبک دلبستگی ایمن را تبیین می‌کند. نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد، مقدار F محاسبه‌شده برای تحلیل رگرسیون معنادار هستند ($p < ۰/۰۵$)؛ بنابراین، معادله رگرسیون انجام‌شده از لحاظ آماری معنادار است.

جدول ۴. ضرایب رگرسیون متغیرهای وارد شده در پیش‌بینی سبک دلبستگی ایمن

مدل	متغیر	ضرایب استاندارد نشده		ارزش t	سطح معنی داری
		B	انحراف استاندارد		
۱	ثابت	۲۹/۲۱۵	۵/۴۰۴	۵/۴۰۶	۰/۰۰۰
	مشکلات رفتاری درونی سازی شده	۰/۲۲۳-	۰/۵۱	۰/۳۵۷-	۴/۴۰۶-
	مشکلات رفتاری بیرونی سازی شده	۰/۴۵	۰/۴۰	۰/۹۲	۱/۱۲۲
	بدتنظیمی هیجانی	۰/۶۳-	۰/۱۳	۰/۳۲۰-	۴/۸۸۶-
متغیر وابسته: سبک دلبستگی ایمن					

ضرایب رگرسیون هم‌زمان جدول ۴ را نشان داده‌شده. ضریب رگرسیون (B) برای مؤلفه مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده برابر با $-0/223$ ، برای بدتنظیمی هیجانی برابر با $-0/063$ و مقدار «ثابت» رگرسیون برابر $29/215$ است. در جدول ۶ همچنین مقادیر t و سطح معناداری متغیر یادشده، کمتر از $0/5$ هستند که نشان می‌دهند که این ضرایب از لحاظ آماری معنادار هستند. بزرگ‌ترین ضریب بتا برابر با $-0/375$ است که مربوط به متغیر مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده است. این نتیجه نشان می‌دهد که مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده سهم بیشتری در تبیین سبک دلبستگی ایمن دارد. به عبارتی دیگر بُعد «مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده» پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری در پیش‌بینی سبک دلبستگی ایمن افراد نمونه است. همچنین بر اساس نتایج به دست آمده بدتنظیمی هیجانی نیز به میزان $-0/320$ در تبیین واریانس متغیر سبک دلبستگی ایمن نقش معناداری دارد. متغیر مشکلات رفتاری بیرونی‌سازی شده، نقش معناداری در تبیین واریانس سبک دلبستگی ایمن ندارد.

فرضیه ۲: بین مشکلات رفتاری و بدتنظیمی هیجان با سبک دلبستگی نایمن اجتنابی نوجوانان رابطه وجود دارد. نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که رابطه بین نمره مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده و بیرونی‌سازی شده با سبک دلبستگی نایمن اجتنابی نوجوانان به ترتیب با مقدار $r = 0/433$ و $r = 0/374$ مثبت و معنادار است ($p \leq 0/05$). همچنین، نتایج نشان می‌دهد که رابطه بین نمره بدتنظیمی هیجان با سبک دلبستگی نایمن اجتنابی با مقدار $r = 0/340$ نیز مثبت و معنادار است. به این معنی که هرچه میزان نمرات مشکلات رفتاری و بدتنظیمی هیجان بالاتر باشد، بر میزان سبک دلبستگی نایمن اجتنابی نوجوانان افزوده می‌شود و بالعکس؛ بنابراین فرضیه پژوهش تأیید می‌گردد و می‌توان ادعا نمود که بین مشکلات رفتاری و بدتنظیمی هیجان با سبک دلبستگی نایمن اجتنابی نوجوانان رابطه وجود دارد.

جدول ۵. ماتریس همبستگی بین مشکلات رفتاری و بدتنظیمی هیجان با سبک دلبستگی نایمن اجتنابی نوجوانان

متغیر	۱	۲	۳	۴
مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده	۱			
مشکلات رفتاری بیرونی‌سازی شده	$0/763^{**}$	۱		
بدتنظیمی هیجانی	$0/591^{**}$	$0/602^{**}$	۱	
سبک دلبستگی نایمن اجتنابی	$0/433^{**}$	$0/374^{**}$	$0/340^{**}$	۱

$*P < 0/05$ $**P < 0/01$

برای بررسی رابطه چندگانه بین مشکلات درونی‌سازی شده و مشکلات بیرونی‌سازی شده و بدتنظیمی هیجانی با سبک دلبستگی نایمن اجتنابی از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش هم‌زمان استفاده شد. نتایج تحلیل آماری این فرضیه در جدول‌های ۵ و ۶ آمده است.

جدول ۶. ضریب همبستگی و ضریب تبیین متغیرهای واردشده در مدل رگرسیون در پیش‌بینی سبک دلبستگی نایمن اجتنابی

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین (R^2)	F	سطح معناداری
۱	$0/447^a$	$0/200$	$23/136$	$0/000^a$
a پیش‌بینی‌کننده‌ها: (ثابت)، مشکلات درونی‌سازی شده و مشکلات بیرونی‌سازی شده و بدتنظیمی هیجانی				
متغیر وابسته: سبک دلبستگی نایمن اجتنابی آماره دوربین واتسون: $1/847$				

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که در مدل رگرسیون پیش‌بینی سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی از روی مشکلات درونی‌سازی شده و مشکلات بیرونی‌سازی شده و بدتنظیمی هیجانی ضریب تعیین (R^2) برابر با ۰/۲۰۰ به‌دست آمده است. به عبارت دیگر، مشکلات درونی‌سازی شده و مشکلات بیرونی‌سازی شده و بدتنظیمی هیجانی روی هم ۲۰ درصد واریانس سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی را تبیین می‌کند. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد، مقدار F محاسبه‌شده برای تحلیل رگرسیون معنادار هستند ($p < ۰/۰۵$)؛ بنابراین، معادله رگرسیون انجام‌شده از لحاظ آماری معنادار است.

جدول ۷. ضرایب رگرسیون متغیرهای واردشده در پیش‌بینی سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی

مدل	متغیر	ضرایب استاندارد نشده		ارزش t	سطح معنی‌داری
		B	انحراف استاندارد		
۱	ثابت	۰/۷۸۸	۴/۳۴۷	۰/۱۸۱	۰/۸۵۶
	مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده	۰/۱۵۱	۰/۴۱	۰/۳۱۸	۰/۰۰۰
	مشکلات رفتاری بیرونی‌سازی شده	۰/۲۳	۰/۳۲	۰/۶۲	۰/۴۷۳
	بدتنظیمی هیجانی	۰/۱۷	۰/۱۰	۰/۱۱۵	۰/۱۰۰
متغیر وابسته: سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی					

ضرایب رگرسیون هم‌زمان جدول ۷ را نشان داده‌شده. ضریب رگرسیون (B) برای مؤلفه مشکلات درونی‌سازی شده برابر با ۰/۱۵۱ و مقدار «ثابت» رگرسیون برابر ۰/۷۸۸ است. در جدول ۷ همچنین مقادیر t و سطح معناداری متغیر یادشده، کمتر از ۰/۵ هستند که نشان می‌دهند که این ضرایب از لحاظ آماری معنادار هستند.

بزرگ‌ترین ضریب بتا برابر با $\beta = ۰/۳۱۸$ است که مربوط به متغیر مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده می‌باشد. این نتیجه نشان می‌دهد که مشکلات درونی‌سازی شده سهم بیشتری در تبیین سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی دارد. به عبارتی دیگر بُعد مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری در پیش‌بینی سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی افراد نمونه است. متغیر مشکلات بیرونی‌سازی شده و بدتنظیمی هیجانی، نقش معناداری در تبیین واریانس سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی ندارد.

فرضیه ۳: بین مشکلات رفتاری و بدتنظیمی هیجان با سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا نوجوانان رابطه وجود دارد. نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد که رابطه بین نمره مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده و بیرونی‌سازی شده با سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا نوجوانان به ترتیب با مقدار $I = ۰/۳۳۳$ و $I = ۰/۳۸۴$ مثبت و معنادار است ($p \leq ۰/۰۵$). همچنین، نتایج نشان می‌دهد که رابطه بین نمره بدتنظیمی هیجان با سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا با مقدار $I = ۰/۱۹۸$ نیز مثبت و معنادار است. به این معنی که هرچه میزان نمرات مشکلات رفتاری و بدتنظیمی هیجان بالاتر باشد، بر میزان سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا نوجوانان افزوده می‌شود و بالعکس؛ بنابراین فرضیه پژوهش تأیید می‌گردد و می‌توان ادعا نمود که بین مشکلات رفتاری و بدتنظیمی هیجان با سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا نوجوانان رابطه وجود دارد.

ارتباط بین مشکلات رفتاری و بدتنظیمی هیجانی با سبک‌های دلبستگی در نوجوانان شهر کرج

جدول ۸. ماتریس همبستگی بین مشکلات رفتاری و بدتنظیمی هیجان با سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا نوجوانان

متغیر	۱	۲	۳	۴
مشکلات رفتاری درونی سازی شده	۱			
مشکلات رفتاری بیرونی سازی شده	**۰/۷۶۳	۱		
بدتنظیمی هیجانی	**۰/۵۹۱	**۰/۶۰۲	۱	
سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا	**۰/۳۳۳	**۰/۳۸۴	**۰/۱۹۸	۱

*P<۰/۰۵ **P<۰/۰۱

برای بررسی رابطه چندگانه بین مشکلات درونی سازی شده و مشکلات بیرونی سازی شده و بدتنظیمی هیجانی با سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده شد. نتایج تحلیل آماری این فرضیه در جدول‌های ۹ و ۱۰ آمده است.

جدول ۹. ضریب همبستگی و ضریب تبیین متغیرهای واردشده در مدل رگرسیون در پیش‌بینی سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین (R ²)	F	سطح معناداری
۱	^a ۰/۳۹۴	۰/۱۵۵	۱۷/۰۱۷	^a ۰/۰۰۰

^a پیش‌بینی کننده‌ها: (ثابت)، مشکلات درونی سازی شده و مشکلات بیرونی سازی شده و بدتنظیمی هیجانی

متغیر وابسته: سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا آماره دوربین واتسون: ۱/۸۹۲

نتایج جدول ۹ نشان می‌دهد که در مدل رگرسیون پیش‌بینی سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا از روی مشکلات درونی سازی شده و مشکلات بیرونی سازی شده و بدتنظیمی هیجانی ضریب تعیین (R^2) برابر با ۰/۱۵۵ به دست آمده است. به عبارت دیگر، مشکلات درونی سازی شده و مشکلات بیرونی سازی شده و بدتنظیمی هیجانی روی هم ۱۵/۵ درصد واریانس سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا را تبیین می‌کند. نتایج جدول ۹ نشان می‌دهد، مقدار F محاسبه شده برای تحلیل رگرسیون معنادار هستند ($p<۰/۰۵$)؛ بنابراین، معادله رگرسیون انجام شده از لحاظ آماری معنادار است.

جدول ۱۰. ضرایب رگرسیون متغیرهای واردشده در پیش‌بینی سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا

مدل	متغیر	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده		ارزش t	سطح معنی داری
		B	انحراف استاندارد	Beta			
۱	ثابت	-۷/۵۳۲	۴/۱۶			-۱/۸۱۱	۰/۷۱
	مشکلات رفتاری درونی سازی شده	۰/۵۴	۰/۳۹	۰/۱۲۱		۱/۳۷۴	۰/۱۷۰
	مشکلات رفتاری بیرونی سازی شده	۰/۱۱۸	۰/۳۱	۰/۳۳۹		۳/۸۰۲	۰/۰۰۰
	بدتنظیمی هیجانی	-۰/۱۱	۰/۱۰	۰/۳۱۸		-۱/۰۷۸	۰/۲۷۸

متغیر وابسته: سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا

ضرایب رگرسیون هم‌زمان جدول ۱۰ را نشان داده‌شده. ضریب رگرسیون (B) برای متغیر بدتنظیمی هیجانی برابر با ۰/۱۱۸ و مقدار «ثابت» رگرسیون برابر ۷/۵۳۲- است. در جدول ۱۰ همچنین مقادیر t و سطح معناداری متغیر یادشده، کمتر از ۰/۵ هستند که نشان می‌دهند که این ضرایب از لحاظ آماری معنادار هستند.

بزرگ‌ترین ضریب بتا برابر با $\beta = ۰/۳۱۸$ است که مربوط به متغیر بدتنظیمی هیجانی است. این نتیجه نشان می‌دهد که بدتنظیمی هیجانی سهم بیشتری در تبیین سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا دارد. به عبارتی دیگر بُعد بدتنظیمی هیجانی پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری در پیش‌بینی سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا افراد نمونه است.

متغیر مشکلات بیرونی‌سازی شده و درونی‌سازی شده نقش معناداری در تبیین واریانس سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین مشکلات رفتاری و بدتنظیمی هیجانی با سبک‌های دلبستگی نوجوانان انجام شد. یافته‌ها نشان داد که بین مشکلات رفتاری و بدتنظیمی هیجانی با سبک دلبستگی ایمن رابطه منفی و معنادار ($p \leq ۰/۰۵$) و با سبک‌های دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) رابطه مثبت و معنادار وجود دارد ($p \leq ۰/۰۵$). مشکلات رفتاری و بدتنظیمی هیجانی قادر به پیش‌بینی سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی، دوسوگرا) بودند. این نتایج با یافته‌های رده و مشایخ (۱۳۹۹)، ترکش‌دوز و فرخ‌زاد (۱۳۹۶)، ماراگانسکا، کالاجر و میراندا (۲۰۱۳)، لایبل، کارلو، رافاییلی (۲۰۱۶)، دی اوانزاتو، جورمن، سیمر و گاتلیب (۲۰۱۳) همسو بود که در پژوهش خود نشان دادند سبک‌های دلبستگی نوجوانان، تعیین‌کننده ویژگی‌های عاطفی و شناختی و راهبردهایی است که واکنش‌های هیجانی را در افراد و روابط بین شخصی آن‌ها هدایت می‌کند. تحول و سازمان‌دهی این بازنمایی‌های درونی با الگوهای درونکاری به تفاوت‌های فردی در کیفیت سلامت روانی منجر می‌شود. طبق مبانی نظری دلبستگی بالبی، کیفیت ارتباط با دوستان و همسالان، بازتابی از کیفیت ارتباط والد-کودک است.

بر این اساس می‌توان گفت کیفیت دلبستگی به والدین ممکن است به‌عنوان محافظی در برابر ایجاد و رشد مشکلات درونی و برونی‌سازی شده عمل نماید. تجربه یک رابطه ایمن و حمایت‌کننده با مادر در کودکی، فرد را قادر می‌سازد تا در روابط خود علاوه بر اینکه به دیگران اعتماد و اطمینان دارد، خود نیز منبع اعتماد و اطمینان دیگران باشد، مسئولیت فردی و اجتماعی بر عهده بگیرد، در سختی‌ها و مشکلات انعطاف‌پذیر و مقاوم باشد و راه‌حل‌های مناسبی ارائه دهد. باز بودن ایمن‌ها در گرفتن اطلاعات جدید و تمایل آن‌ها به اصلاح طرح‌واره‌های خود در صورت ورود اطلاعات جدید نیز باعث می‌شود که با تغییرات سازگار شوند و راهکارهای مقابله‌ای واقع‌بینانه‌تری را ایجاد کنند. دلبستگی و تنظیم هیجان پیوندی ناگشودنی با یکدیگر دارند، به‌طوری‌که ظرفیت بیشتر برای مدیریت و تنظیم هیجان‌ها باعث می‌شوند نوجوانان با دلبستگی ایمن، رفتار شایسته‌تری نسبت به هم‌تایان خود و مشکلات رفتاری کمتری داشته باشند. دلبستگی اولیه به مراقب، پایه و اساس تنظیم هیجان و رفتار است. یافته‌ها حاکی از آن هستند که افراد دلبسته اجتنابی در رویارویی با شرایط تنش‌زا، از راهبردهای حفظ فاصله استفاده می‌کنند و مانع از بروز هر نوع افکار و احساسات منفی در خود می‌شوند (رده، ۱۳۹۹). افراد با سبک دلبستگی اجتنابی به نسبت افراد دوسوگرا یا ایمن توجه کمتری به عواطف و رویدادهای هیجانی دارند و در طرح‌ریزی رفتار نیز به عوامل شناختی بیش از عوامل هیجانی اهمیت می‌دهند، در نتیجه این دفاع‌ها، دستگاه‌های روانی تفکیک‌شده فرد، باعث بروز مشکلاتی در سلامت روانی و کارکرد عمومی او می‌شود. طبق نظریه بالبی افراد با دلبستگی اجتنابی که الگوهای دلبستگی‌شان بر اساس راهبردهای گوشه‌گیری و فاصله گرفتن گسترش یافته است، به این نتیجه می‌رسند که منبع اتکایی وجود ندارد که بتوانند به آن اعتماد کرده و وابسته شوند، در نتیجه تعارض بیشتری را تجربه می‌کنند و در این تقابل، احساسی از خودبستگی را به واسطه طفره رفتن از برقراری رابطه با دیگران پرورش می‌دهند.

نتایج تحقیقات چوهان (۲۰۰۸) نشان می‌دهند میزان اعتماد در هر کدام از انواع دلبستگی به‌طور معنادار با خودپنداره مثبت و سلامت روانی رابطه مثبتی دارند. علاوه بر این بین دلبستگی مادرانه با خودپنداری مثبت، عدم رفتار ضداجتماعی و زورگویی نسبت به دیگران رابطه معنی‌داری وجود دارد. افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی تصویر مثبت از خود و تصویر منفی از دیگران می‌سازند، زیرا تجارب دلبستگی‌شان به آنان آموخته است که نباید روی حمایت دیگران حساب کنند. این افراد تمایلی به نزدیک شدن به دیگران نشان نمی‌دهند و فاصله خود را از آنان حفظ می‌کنند تا افکار پریشان‌کننده در امان باشند. در این افراد مشکلات رفتاری بیشتری مشاهده شد. یافته‌های بعدی بیانگر این امر بود که افراد اضطرابی دوسوگرا که از طرد شدن می‌ترسند، خواسته‌هایی مبتنی بر تأیید شدن دارند که با نگرانی برای رابطه، خصوصاً در دسترس بودن حمایت والدین مشخص می‌شود، بنابراین افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن در ایجاد یک رابطه متقابل و وابستگی دوجانبه که در آن هر طرف رابطه می‌تواند نقش فاعل یا مفعول داشته باشند، با مشکل مواجه می‌شوند که این امر می‌تواند تنظیم هیجان را در آن‌ها دشوار سازد و در چنین شرایطی راه برای آسیب‌های روانی از جمله افسردگی و اضطراب باز می‌شود. از این رو پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بین آسیب‌های دلبستگی (اجتنابی و دوسوگرا) با دشواری تنظیم هیجان رابطه مثبت وجود دارد (طهماسیان، آماری، فتح‌آبادی، ۱۳۹۲).

از آنجاکه ملاک‌های اصلی تشخیص‌گذاری اختلالات مشکلات رفتاری از جمله علائمی مثل از دست دادن خلق، حساسیت، زودرنجی، عصبانیت، خشم و کینه‌توزی، به‌نوعی مشکلات هیجانی- رفتاری محسوب می‌شوند و همچنین با توجه به اینکه این اختلالات برون‌سازی اغلب با عزت‌نفس پایین، بی‌ثباتی خلق میزان تاب‌آوری پایین همراه است، می‌توان علائم مشکلات رفتاری را به‌عنوان مشکلات تنظیم هیجانی و به عبارات دیگر به‌عنوان مجموعه علائم مرتبط با مشکلات دلبستگی توصیف کرد. غیرفعال سازی راهبردهای دلبستگی (سبک اجتنابی) با تنظیم هیجانی تداخل پیدا می‌کند و منجر به فرونشانی یا انکار هیجان‌ها و متکی بودن به باورهای بیش برآورده شده برتری و کفایت می‌شود. همچنین بیش‌فعال‌سازی راهبردهای دلبستگی (سبک اجتنابی) شامل نشخوار افراطی هیجان‌های متعارض، دل‌مشغولی در خصوص بی‌ثباتی نگاه‌های دلبستگی و سرمایه‌گذاری بر ابراز نیازهای شخصی است. افراد دلبسته ناایمن پیوسته به خاطر تصور بی‌ثباتی که از مراقب دارند و ضعف مدل‌های درون کاری، پیوسته در آشفتگی هیجانی به سر می‌برند و نمی‌توانند شیوه تنظیم هیجان را فراگیرند. از آنجاکه افراد با سبک دلبستگی ناایمن در تنظیم هیجانات مشکل دارند این مسئله آن‌ها را در معرض طیف گسترده‌ای از مشکلات سلامت روان قرار می‌دهد (زارعی، حیدری، محمودی‌نودژ و عسگری، ۱۳۹۳). نوجوانانی که دارای سبک دلبستگی اجتنابی هستند، فاقد مهارت‌های لازم برای کنار آمدن با تجارب هیجانی خود هستند، احتمال بیشتری دارد که هنگامی که می‌خواهند عواطف منفی خود را مدیریت کنند، درگیر رفتارهای پرخطر شوند یا احساسات خود را سرکوب کرده و نادیده بگیرند. از سوی دیگر این نوجوانان با درک کمتری که از هیجانات خود دارند، مشکلات خود را بیشتر درونی می‌کنند. بعلاوه افرادی که با هیجانات خود سازگار نیستند یا راهی برای ابراز آن ندارند، احتمالاً منابع محدودتری برای غلبه بر احساسات منفی خود دارند و برای تسکین هیجانات شدید خود، اقدام به انجام رفتارهای پرخطر می‌کنند. بر اساس شواهد، دلبستگی ناایمن به‌صورت مثبت با سطوح بالاتر افسردگی، اضطراب و علائم جسمانی و صفات شخصیتی مختل شده همبستگی دارد؛ بنابراین می‌توان گفت علاوه بر این که سبک دلبستگی به‌طور مستقیم بر آسیب‌پذیری نوجوانان اثر دارد و مهارت‌های تنظیم هیجان در نتیجه تعاملات بین نوجوانان و خانواده‌شان شکل گرفته و لذا سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا به‌واسطه راهبردهای تنظیم هیجانی بر سازگاری نوجوانان تأثیر می‌گذارد. خانواده نظامی یکپارچه از نقش‌های متقابل است که در حکم یک واحد، فرزندان را به سمت تکامل جهت می‌دهد و از بروز بسیاری ناهنجاری‌ها بر شخصیت کودک جلوگیری می‌کند و به شرط موفقیت می‌تواند نسل سالمی را به جامعه تحویل دهد، در غیر این صورت اختلالات رفتاری و ناهنجاری‌های شخصیتی در جامعه نمود پیدا می‌کند.

این پژوهش مانند هر پژوهش علمی دیگر با محدودیت‌های مواجه بود، یکی از محدودیت‌های این پژوهش اجرای پرسشنامه‌ها با شیوع بیماری کرونا تا حدودی با مشکل مواجه شد و پرسشنامه‌ها به صورت آنلاین در شبکه‌های مجازی مانند شبکه شاد اجرا شد و محدود به دانش آموزان مقطع متوسطه بود. از این رو پیشنهاد می‌شود سایر پژوهشگران برای دستیابی به نتایج دقیق‌تر و ارائه تصویری روشن‌تر، این مقایسه را در سایر مقاطع آموزشی بررسی کنند و علاوه بر مقیاس خودسنجی، فرم والدین و معلم و سایر ابزار سنجش را نیز مورد استفاده قرار دهند. از آنجا که بسیاری از مشکلات رفتاری نوجوانان مبتلا در ارتباط با والدین و به‌خصوص مادر به وجود می‌آید، بنابراین آموزش نحوه برخورد مناسب و شیوه‌های کنترل صحیح رفتار به والدین، احتمال کاهش رفتارهای نامناسب را در این نوجوانان افزایش می‌دهد. توضیح درباره ماهیت و علت اختلال می‌تواند شناخت نادرست والدین را درباره خود و فرزندانشان اصلاح کند. از سوی دیگر شناخت بهتر مشکلات رفتاری در دوران کودکی می‌تواند مبنایی برای طراحی مؤثرتر برنامه‌های درمانی و پیشگیری از مشکلات رفتاری را در آینده فراهم آورد. لذا نتایج مطالعه حاضر، می‌تواند به روان‌شناسان کودک کمک کند تا هر چه بیشتر به نقش سبک‌های فرزندپروری و دلبستگی والدین پی برده و بتوانند مداخله‌های مناسبی را با در نظر گرفتن آن در مورد مشکلات رفتاری کودکان اجرا کنند.

موازن اخلاقی

در این پژوهش موازن اخلاقی شامل اخذ رضایت کتبی از شرکت‌کنندگان برای مشارکت در پژوهش، رعایت ورود و خروج آزادانه شرکت‌کنندگان به پژوهش، رعایت حریم خصوصی مراجعان، عدم ضبط تصویر یا فیلم از شرکت‌کنندگان، و بعد از اتمام پژوهش، انتشار صادقانه نتایج به دست آمده انجام شد.

سیاسگزاری

لازم است که در این قسمت، از تمامی حامیان مالی، مسئولان، شرکت‌کنندگان/آزمودنی‌ها و سایر افرادی که جزء نویسندگان نیستند و در اجرای پژوهش با ما همکاری داشته‌اند؛ تشکر و قدردانی شود.

تعارض منافع و منابع:

بنا بر اعلام نویسندگان مقاله حاضر هیچ گونه تعارض منافی نداشت.

منابع

- [۱] اخنباخ، توماس، رسکورا، لیلی. (۲۰۰۷). *کتابچه راهنمای فرم‌های سن مدرسه نظام مبتنی بر تجربه اخنباخ (ASEBA)*. ترجمه مینایی. (۱۳۸۵). تهران: پژوهشکده کودکان استثنایی. [پیوند]
- [۲] اله‌جگردی، منصوره، سربایان، سعید، اصغری پور، نگار. (۱۳۹۵). مقایسه‌ی سبک‌دل بستگی مادران دارای کودکان با و بدون مشکلات رفتاری سنین ۱۲-۸ سال. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۷(۱)، ۳۷-۳۱. [پیوند]
- [۳] امیرخانی، میترا، تیموری، سعید. (۱۳۹۷). رابطه کمال‌گرایی مادران با مشکلات رفتاری عاطفی کودکان. دومین همایش ملی روان‌شناسی، *روان‌شناسی خانواده، مرودشت: دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت*. [پیوند]
- [۴] ترکش‌دوز، شیرین، فرخ‌زاد، پگاه. (۱۳۹۶). بررسی رابطه اختلالات رفتاری کودکان با سبک‌های فرزند‌پروری و سبک‌های دلبستگی، *مجله سلامت اجتماعی*، ۴(۲)، ۱۲۶-۱۱۸. [پیوند]
- [۵] تهرانی‌دوست، مهدی، شهرپور، زهرا، محمودی قزایی، جواد، علاقبند راد، جواد. (۱۳۸۷). تأثیر آموزش تربیت سازنده فرزندان به والدین در کاهش مشکلات رفتاری کودکان. *مجله روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)*، ۱۴(۴)، ۳۷۹-۳۷۱. [پیوند]
- [۶] خان‌زاده، بابک. (۱۳۹۸). *روانشناسی کودک: نقش آموزش خانواده در اصلاح اختلالات رفتار کودک*. تهران: انتشارات عصر غیبت. [پیوند]
- [۷] رده، فرشته و مشایخ، مریم و تاجری، بیوک. (۱۳۹۹). پیش‌بینی مشکلات رفتاری بر اساس شیوه‌های والدگری، سبک‌های دلبستگی، کمال‌گرایی مثبت و منفی در نوجوانان، *کنفرانس ملی پژوهش در روانشناسی، ساری* [پیوند]
- [۸] زارعی، اقبال، حیدری، حسین، محمودی‌نودژ، مجتبی، عسکری، مهین، محمدی، حاتم. (۱۳۹۳). نقش سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی اختلال سلوک دانش‌آموزان، *فصلنامه تحول روان‌شناسی کودک*، ۱(۱)، ۶۷-۷۵. [پیوند]
- [۹] ساجدی، ژیلدا، ضرابیان، کاظم، صادقیان، عفت. (۱۳۸۹). بررسی شیوع مشکلات رفتاری کودکان ۳ تا ۶ ساله مهدهای کودک و کلاس‌های آمادگی تحت نظارت سازمان بهزیستی، *مجله مراقبت پرستاری و مامایی ابن‌سینا*، ۱۸(۱)، ۱۱-۲۱. [پیوند]
- [۱۰] صدیقی‌ارفعی، فریبرز، رحیمی سمیرمی، حمید، قدوسی، زینب. (۱۳۹۳). رابطه سبک دلبستگی و سلامت روان پرستاران بیمارستان‌ها، *مجله پرستاری*، ۲۴(۸۸)، ۲۱-۱۱. [پیوند]
- [۱۱] طهماسبیان، کارینه، اناری، آسیه، فتح‌آبادی، محبوبه. (۱۳۹۱). بررسی ویژگی‌های مادرانه مؤثر در مشکلات رفتاری کودکان ۲-۶ ساله، *فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۷(۲۶)، ۸۹-۱۰۴. [پیوند]
- [۱۲] عبدی، سلمان، باباپورخیرالدین، جلیل، فتحی، حیدر. (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های تنظیم هیجان شناختی و سلامت عمومی دانشجویان، *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران*، ۸(۴)، ۲۶۴-۲۵۸. [پیوند]
- [۱۳] کاکاوند، علیرضا. (۱۳۹۸). *روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی*. تهران: نشر روان.
- [۱۴] محمدی، محمدرضا. (۱۳۷۹). جنبه‌های مهم شخصیت نوجوان. معرفت، ۳۸، ۳۹-۲۸.
- [۱۵] مسکینی جانکبری، فاطمه. (۱۳۹۸). مقایسه مشکلات رفتاری کودکان سن مدرسه مبتلا به تلاسیمی مراجعه‌کننده به مراکز آموزشی-درمانی کودکان شهر رشت با همسالان سالم در سال ۱۳۹۵-۱۳۹۴. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گیلان. [پیوند]
- [۱۶] ملک‌شاهی، فریده، فرهادی، علی. (۱۳۸۷). بررسی شیوع مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی شهرستان خرم‌آباد، *فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه علمی پژوهشی لرستان*، ۱۰(۳)، ۶۵-۵۷. [پیوند]
- [۱۷] مینایی، اصغر. (۱۳۸۵). انطباق و هنجاریابی سیاهه رفتاری کودک اخنباخ، پرسشنامه خود سنجی و فرم گزارش معلم، *فصلنامه علمی - پژوهشی کودکان استثنایی*، ۶(۱)، ۵۵۸-۵۲۹. [پیوند]

- [۱۸] یزدخواستی، فریبا، عریضی ساملی، سید حمیدرضا (۱۳۹۰). هنجاریابی سه نسخه کودک، پدر/ مادر و معلم سیاهه رفتار کودک در شهر اصفهان، *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)*. ۱۷(۱)، ۷۰-۶۰. [پیوند]
- [۱۹] یوسفی، فریده. (۱۳۸۵). بررسی رابطه راهبردهای شناختی تنظیم هیجان با افسردگی و اضطراب در دانش‌آموزان مراکز راهنمایی استعدادهای درخشان، *فصلنامه علمی-پژوهشی کودکان/استثنایی*، ۶(۴)، ۸۷۱-۸۹۲. [پیوند]
- [20] Amstadter, A. (2016). Emotion regulation and anxiety disorders. *Anxiety Disord*, 22, 211–221. [Link]
- [21] Achenbach, T. M., & Rescorla, L. (2007). *Multicultural understanding of child and adolescent psychopathology: Implications for mental health assessment*. Guilford Press. [Link]
- [22] Beauregard, M., Levensque, J., & Paquete, V. (2004). *Neural basis of conscious and voluntary self-regulation of emotion*. M. Beauregard (Ed.), *Consciousness, emotional self-regulation and the brain* (pp: 163- 194). Philadelphia, John Benjamins Publishing Company. [Link]
- [23] Beauchaine, T. P., Gatzke-Kopp, L., & Mead, H. K. (2007). Polyvagal theory and developmental psychopathology: Emotion dysregulation and conduct problems from preschool to adolescence. *Biol Psychol*, 74(2), 174-184. [Link]
- [24] Bowlby, J. (1969). *Loss: Sadness and Depression*. Ied. London: Basic Book. [Link]
- [25] Chang, D., Schwartz, K.K., Dodge, C.A.M., Bridge Chang, C. (2014). Harsh parenting in relation to child emotion regulation and aggression. *J Fam Psychol*, 17, 598–606. [Link]
- [26] Cole, P. M., Dennis, T. A., Smith-Simon, K. E., & Cohen, L. H. (2008). Preschoolers emotion regulation strategy understanding: Relations with emotion socialization and child self-regulation. *Soc Dev*, 18, 324-52. [Link]
- [27] Deborah A. Cohn. (1990). Child-Mother Attachment of Six-Year-Olds and Social Competence at School. *Journal of Intervention in School and Clinic*, 61(1), 152-162. [Link]
- [28] Goodvin, R., Meyer, S., Thompson, R. A, Hayes, R. (2008). Self-understanding in early childhood: associations with child attachment security and maternal negative affect. *Attach Hum Dev*, 10(4), 433-450. [Link]
- [29] Cole, P.M., Dennis, T.A., Smith-Simon, K.E., Cohen, L.H. (2015). Preschoolers emotion regulation strategy understanding: Relations with emotion socialization and child self-regulation. *Soc Dev*, 18(29), 324-352. [Link]
- [30] D'Avanzato, C., Joormann, J., Siemer, M., Gotlib, I.H. (2013). Emotion Regulation in Depression and Anxiety: Examining Diagnostic Specificity and Stability of Strategy Use, *Cognitive Therapy Research*, 37, 968-980. [Link]
- [31] Diaz, Y. (2005). *Association between parenting and child behavior problems among latino mothers and children*. ProQuest dissertation and Theses. [Link]
- [32] Duchesne, S., Larose, S. (2007). Adolescent Parental Attachment and Academic Motivation and Performance in Early Adolescence 1. *Journal of Applied Social Psychology*, 37(7), 1501-1521. [Link]
- [33] Elliott, R., Watson, J. C., Goldman R. N., Greenberg, L. S. (2004). *Learning emotion focused therapy: The process experiential approach to change*. Washington, DC: American Psychological Association. [Link]
- [34] Gratz, K.L., Roemer, L. (2004). Multidimensional assessment of emotion regulation and deregulation: Development, factor structure, and initial validation of the difficulties in emotion regulation scale. *J Psychopathol Behav Assess*, 26(1), 41-54. [Link]
- [35] Griffin, D.W., Bartholomew, K. (2003). The metaphysics of measurement: The case of adult attachment. In Bartholomew, K. & Perlman, D. (2003), *Advances impersonal*

- relationships*: (Vol5, pp: 17-52) *Attachment processes in adulthood*. London: Jessica Kingsley Publishers. [\[Link\]](#)
- [36] Gross, J.J. (2010). The emerging field of emotion regulation: An integrative review. *Rev Gen Psychol*, 2(3), 271-99. [\[Link\]](#)
- [37] Hazan, C., Shaver, P. R. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511-524. [\[Link\]](#)
- [38] Hesse, C., Floyd, K. (2011). Affection mediates the impact of alexithymia on relationships. *Personality and Individual Differences*, 50, 451-456. [\[Link\]](#)
- [39] Laible, D. J., Carlo, G., Raffaelli, M. (2016). The differential relations of parent and peer attachment to adolescent adjustment. *Journal of Youth and Adolescence*, 29(1), 45-59. [\[Link\]](#)
- [40] Liu, Q., Nagata, T., Shono, M., Kitamura, T. (2009). The effects of adult attachment and life stress on daily depression: a sample of Japanese university students. *J Clin Psychol*, 65(7), 636-652. [\[Link\]](#)
- [41] Marroquín, B. (2011). "Interpersonal emotion regulation as a mechanism of social support in depression". *Clin Psychol Rev*, 31(8), 1276-1290 [\[Link\]](#)
- [42] Marganska, A., Gallagher, M., Miranda, R. (2013). Adult attachment, emotion dysregulation, and symptoms of depression and generalized anxiety disorder. *American Journal of Orthopsychiatry*, 83, 131-141 [\[Link\]](#)
- [43] Mash, E.J., Barclays, R.E. (2017). *Child Psychopathology*. Translation, Toozandeh-jani H, Mashhad University of Medical Sciences, Gonabad. [\[Link\]](#)
- [44] Robinson, S. L., Mora-Plazas, M., Oliveros, H., Marin, C., Lozoff, B., & Villamor, E. (2021). Dietary patterns in middle childhood and behavior problems in adolescence. *European Journal of Clinical Nutrition*, 1-10. [\[Link\]](#)
- [45] Sarason, I. G., Sarason, B. R. (2015). *Psychopathology- the problem of non-adaptive behavior*. Translation, Najarian. Tehran: Roshd Publication. [\[Link\]](#)
- [46] Sandhu, T., & Kapoor, S. (2013). Implications of personality types for emotional regulation in young women. *Personal Typ Emotion Reg*, 1(4), 34-39. [\[Link\]](#)
- [47] Shiota, M.N., Campos, B., Keltner, D., & Hertenstein, M. (2017). *Positive emotion and regulation of interpersonal relationships*. In. P. Philippot & R.S. Feldman (Eds.), the regulation of emotion. Mahwah, NJ: Erlbaum (pp: 127-155). [\[Link\]](#)
- [48] Shipman, K.L., Zeman, J. (2001). Socialization of children emotion regulation in mother-child dyads: A developmental psychopathology perspective. *J dev psychopathol*, 13, 317-36. [\[Link\]](#)
- [49] Tambelli, R., Laghi, F., Odorisio, F., Notari, V. (2012). Attachment Relationships and Internalizing and Externalizing Problems among Italian Adolescents. *Children and Youth Services Review*, 34(8), 1465-71. [\[Link\]](#)